Revolution Studies

Online ISSN: 3041-8704

https://trs.ri-khomeini.ac.ir

Research Institute of
Imam Khomeini and Islamic Revolution

Examining the Impact of the Implementation of the Abraham Accords on the Discourse of the Islamic Revolution*

Mohammad Rahimian[1] ✉, **Abbas Keshavarz Shokri**[2]

1. Ph.D. in Political Sociology, Principal Investigator and Postdoctoral Researcher at Shahed University, Tehran, Iran. m.rahimian@shahed.ac.ir

2. Professor of Political Science, Supervisor of the Postdoctoral Project, Iran National Science Foundation, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran. keshavarz@shahed.ac.ir

Article Info

Article type:
Research article

Received: April 09, 2026

Received in revised from:
May 15, 2026

Accepted: May 20, 2026

Published online: June 21, 2026

Keywords: Abraham Accords, Palestine, Islamic Revolution, Islamic Countries, Israel, United States of America.

Abstract

The main objective of this article is to examine the impact of the implementation of the Abraham Accords on the discourse of the Islamic Revolution. The Abraham Accords represent the latest initiative by the United States to normalize relations between Arab and Islamic countries and the Zionist regime. The most significant measures undertaken within the framework of this accord include the establishment of peace and the strengthening of diplomatic relations among the signatories and Israel, the recognition of Israel's sovereignty, the opening of embassies, the exchange of ambassadors, the establishment of consular relations, and the abolition of visa requirements among members. The research findings indicate that the discourse of the Islamic Revolution, rooted in the thought of Imam Khomeini, emphasizes principles such as anti-arrogance, defense of the oppressed, opposition to the United States, support for Palestine and the Holy Quds, opposition to Israel, the reinforcement of the resistance front, and convergence with Islamic countries. Within this discourse, any form of cooperation or engagement with Israel is deemed unacceptable due to its contradiction with the cause of Palestine, whereas the Abraham Accords are designed to normalize relations between Arab and Islamic countries and Israel, thereby conflicting with the foundational principles of the Islamic Revolution's discourse. Furthermore, the discourse of the Islamic Revolution stresses support for resistance groups and countries backing the Palestinian cause, yet the implementation of the Abraham Accords leads to a diminution of sensitivity among Islamic countries toward the Palestinian issue. Moreover, one of the goals of the Islamic Revolution's discourse is the realization of a unified Islamic ummah, which necessitates collective commitment by Islamic countries to the Palestinian cause; however, the Abraham Accords, by expanding political relations between Arab and Islamic countries and Israel, result in the marginalization of the Palestinian cause. Therefore, the implementation of the Abraham Accords is incompatible with the fundamental principles of the discourse of the Islamic Revolution.

*. This work was financially supported by the Iran National Science Foundation (INSF) under project number "4040305".

Cite this article: Rahimian, M. & Keshavarz Shokri, A. (2026). Examining the Impact of the Implementation of the Abraham Accords on the Discourse of the Islamic Revolution. *Revolution Studies*, 4 (7), 135-164.
https://doi.org/10.22034/fademo.2026.581124.1184

© The Author(s). Publisher: Research Institute of Imam Khomeini and Islamic.
This is an open-access article distributed under the CC BY
(license http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

دوفصلنامه
انقلاب پژوهی
شاپا الکترونیکی: ۸۷۰۴-۳۰۴۱
https://trs.ri-khomeini.ac.ir
پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی

بررسی تأثیر اجرای پیمان ابراهیم بر گفتمان انقلاب اسلامی*

محمد رحیمیان[1]✉، عباس کشاورز شکری[2]

۱. دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، مجری و پژوهشگر طرح پسا دکتری دانشگاه شاهد، ایران، تهران.
m.rahimian@shahed.ac.ir

۲. استاد علوم سیاسی، مسئول طرح پسادکتری، بنیاد علم ایران، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، ایران، تهران.
keshavarz@shahed.ac.ir

چکیده

هدف اصلی این مقاله بررسی تأثیر اجرای پیمان ابراهیم بر گفتمان انقلاب اسلامی است. پیمان ابراهیم جدیدترین ابتکار ایالات‌متحده آمریکا برای عادی‌سازی روابط کشورهای عربی و اسلامی با رژیم صهیونیستی است. مهم‌ترین اقدامات انجام‌شده در چهارچوب این پیمان شامل صلح و تقویت روابط دیپلماتیک میان اعضا و اسرائیل، به رسمیت شناختن حاکمیت اسرائیل، تأسیس سفارتخانه، تبادل سفیر، برقراری روابط کنسولی و لغو روادید میان اعضاست. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد گفتمان انقلاب اسلامی، برگرفته از اندیشه‌های امام خمینی، بر اصولی همچون استکبارستیزی، دفاع از مظلومان، مقابله با آمریکا، حمایت از فلسطین و قدس شریف، مخالفت با اسرائیل، تقویت جریان مقاومت و همگرایی با کشورهای اسلامی تأکید دارد. در این گفتمان، هرگونه همکاری و تعامل با اسرائیل به دلیل حمایت از آرمان فلسطین مردود است، درحالی‌که پیمان ابراهیم با هدف عادی‌سازی روابط کشورهای عربی و اسلامی با اسرائیل شکل گرفته و ازاین‌رو با اصول بنیادین گفتمان انقلاب اسلامی در تعارض قرار دارد. همچنین گفتمان انقلاب اسلامی بر حمایت از گروه‌های مقاومت و کشورهای حامی آرمان فلسطین تأکید دارد، اما اجرای پیمان ابراهیم به کاهش حساسیت کشورهای اسلامی نسبت به مسئله فلسطین می‌انجامد. افزون‌براین، یکی از اهداف گفتمان انقلاب اسلامی، تحقق امت واحده اسلامی است که مستلزم اهتمام مشترک کشورهای اسلامی به مسئله فلسطین است؛ حال آنکه پیمان ابراهیم با گسترش روابط سیاسی کشورهای عربی و اسلامی با اسرائیل، به حاشیه رفتن آرمان فلسطین را در پی دارد؛ بنابراین اجرای پیمان ابراهیم با اصول اساسی گفتمان انقلاب اسلامی مغایرت دارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۱/۲۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۲/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۳۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۳/۳۱

کلیدواژه‌ها:
پیمان ابراهیم، فلسطین، انقلاب اسلامی، کشورهای اسلامی، اسرائیل، ایالات‌متحده آمریکا.

* این اثر تحت حمایت مادی بنیاد ملی علم ایران (INFS) برگرفته شده از طرح شماره «۴۰۴۰۳۰۵» انجام شده است.

استناد: رحیمیان، محمد و کشاورز شکری، عباس (۱۴۰۵). بررسی تأثیر اجرای پیمان ابراهیم بر گفتمان انقلاب اسلامی. *انقلاب‌پژوهی*، ۴(۷)، ۱۳۵-۱۶۴. https://doi.org/10.22034/fademo.2026.581124.1184

ناشر: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
© نویسندگان.

مقدمه

پرواضح است یکی از مهم‌ترین موضوعات منطقه خاورمیانه و جهان اسلام، مسئله فلسطین و نحوه مواجهه کشورهای عربی و اسلامی با رژیم صهیونیستی است. در طول هشتاد سال اخیر، سران کشورهای عربی - اسلامی در جهت حمایت از فلسطین تلاش و اقداماتی بسیاری همچون جنگ، آتش‌بس، عقب‌نشینی، صلح، معاهده، همزیستی، قرارداد، مقاومت، پیمان، میانجی‌گری و عادی‌سازی روابط مورداستفاده قرار گرفت. پس از تجربه ابزارهای مذکور و بررسی دیدگاه‌های مختلف به‌طورکلی درباره مسئله فلسطین و نوع مواجهه با اسرائیل دو قرائت کلان در سطح بین‌الملل وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر، نوع مواجهه کشورهای ذی‌نفع علی‌الخصوص دولت‌های اسلامی -عربی با مسئله فلسطین و اسرائیل مبتنی بر دو رویکرد و گفتمان سازش و مقاومت قابل‌تحلیل و بررسی است.

در ذیل گفتمان سازش، چند سناریو و مؤلفه برای آینده فلسطین مطرح می‌شود: اولین سناریو مربوط به نظریه دو کشور مستقل فلسطینی و اسرائیلی است که موردحمایت ایالات‌متحده آمریکاست. این سناریو با حمایت امریکا و اروپا ابتدا در قطعنامه ۱۸۱ شورای امنیت (سال ۱۹۴۷) مطرح شد و تاریخچه بلندی دارد و جالب آنکه ابتدا موردقبول سران اسرائیل هم بود. در اسرائیل این ایده موردحمایت جریان اقلیت و در فلسطین، تشکیلات خودگردان به دنبال تحقق چنین ایده‌ای است. همچنین جریان اعتدال عربی در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا نیز از این سناریو حمایت می‌کند. سناریو بعدی تشکیل دولتی یهودی است که مطلوب و مناسب رژیم صهیونیستی است. این ایده اشاره دارد که یک دولت و یک ملت در منطقه فلسطین و فلسطین اشغالی به رهبری اسرائیلی‌ها ایجاد شود. در این سناریو رژیم صهیونیستی به دنبال اخراج ساکنان اصلی فلسطین یا نابودی آن‌ها هستند. همچنین در این طرح، بخشی از سرزمین فلسطین به کشور اردن الحاق و مردم فلسطین به آن کشور تبعید شوند. دنبال کنندگان این ایده یهودیان افراطی به‌خصوص اعضای احزاب لیکود و شاس که در رأس آن‌ها بنیامین نتانیاهو و کابینه‌اش در دولت اسرائیل می‌باشند. سناریو بعدی مربوط به تشکیل دولت واحد دوملیتی است. در این ایده گروهی از احزاب چپ سابق اسرائیل و جمعی از روشنفکران فلسطینی طرفدار تشکیل دولتی سکولار و واحد

در فلسطین هستند. نمایندگان این ایده معتقدند بایستی دولتی که بدون در نظر گرفتن یهودی و عرب بودن ساکنین و بدون توجه به عنصر مذهب بر همه منطقه فلسطین حکومت کند. تحلیل گفتمان دیدگاه سران بعضی از کشورهای اسلامی راجع به مسئله فلسطین حاکی از آن است که آن‌ها به‌صورت علنی و غیرعلنی موافق رویکرد سازش و سناریوهای مذکور می‌باشند.

ناظر به مسئله فلسطین، در مقابل رویکرد سازش، قرائت دیگری با عنوان «گفتمان مقاومت» وجود دارد. طرفداران این رویکرد، بر پایه مؤلفه‌هایی همچون وعده الهی، مبارزه با امپریالیسم، خواست و اراده مردم و مقابله با زور و ظلم، بر آن‌اند که از آرمان فلسطین به‌عنوان مسئله نخست جهان اسلام دفاع کنند. این گروه بر این باور است که نگاه برخی از کشورهای عربی و اسلامی به مسئله فلسطین، راهبردی و آینده‌نگر نبوده است. همچنین طرفداران گفتمان مقاومت معتقدند برخی از کشورهای اسلامی، مسئله قدس و فلسطین را صرفاً برگ برنده‌ای بر سر میز مذاکرات سیاسی با غرب برای تأمین منافع خود تلقی می‌کنند. از دیدگاه آنان، طرح صلح راجرز، ابتکار صلح انور سادات، کنفرانس مادرید، پیمان اسلو، کمپ دیوید، مذاکرات طابا، طرح صلح عربی، اجلاس شرم‌الشیخ و پیمان ابراهیم، نمونه‌هایی از ناکامی گفتمان سازش به شمار می‌روند. آنان همچنین بر این باورند که هدف اصلی سازش‌کاران از پیگیری این طرح‌ها، کسب اعتبار و تضمین ثبات حکومت‌های خود بوده است. از سوی دیگر، در سال ۲۰۲۰ و با میانجی‌گری ایالات‌متحده آمریکا به رهبری دونالد ترامپ، با هدف عادی‌سازی روابط میان کشورهای عربی و اسرائیل و نیز کاهش نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران در خاورمیانه، توافقی با عنوان «پیمان ابراهیم» میان اسرائیل، امارات متحده عربی، بحرین، مراکش و سودان منعقد شد. این پیمان با فاصله گرفتن از اصل «زمین در برابر صلح»، رویکرد «صلح در برابر صلح» را مبنای خود قرار داد. بر اساس مفاد این توافق، اسرائیل می‌تواند بدون پایان دادن به اشغال سرزمین‌های فلسطینی، روابط خود را با کشورهای عربی -اسلامی عادی‌سازی کند. اگرچه پیمان ابراهیم در ظاهر تنها زمینه برقراری روابط اسرائیل با چند کشور عربی - اسلامی را فراهم کرده است، اما این کشورها به‌عنوان نخستین اعضای این روند، الگویی برای گسترش آن به سایر کشورهای عربی - اسلامی

تلقی می‌شوند. از این منظر، انتظار می‌رود سایر کشورهای عربی ـ اسلامی نیز، به‌تدریج و تحت تأثیر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، به این روند بپیوندند یا برای امضای این پیمان تحت فشار قرار گیرند.

در مقابل، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ دال‌های گفتمانی همچون مسئله حمایت از آرمان فلسطین، دفاع از مظلومین عالم، استکبارستیزی، عدالت جهانی، امت گرایی، بازتاب انقلاب اسلامی، هویت اسلامی- ایرانی، شهادت‌طلبی و فرهنگ ایثار و شهادت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در اولویت قرار گرفت. امام خمینی به‌عنوان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، مسئله فلسطین را به‌عنوان مهم‌ترین مسئله جهان اسلام قلمداد کرد و در راستای گفتمان انقلاب اسلامی، تمامی تعاملات و مراودات سیاسی، تجاری، اقتصادی، ورزشی ایران با رژیم صهیونیستی ملغی شد. گفتمان انقلاب اسلامی در تلاش بود تا کشورهای عربی و اسلامی را نسبت مسئله فلسطین حساس نماید و لازمه این مهم عدم هرگونه همکاری و تعامل با اسرائیل است. در نتیجه، سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که تأثیر اجرای پیمان ابراهیم بر گفتمان انقلاب اسلامی چیست؟

۱. پیشینه پژوهش

همتی‌فر و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «تبیین داده‌بنیاد پیمان ابراهیم با رویکرد ژئوپلیتیکی» (۱۴۰۳) اشاره می‌کنند که یکی از مهم‌ترین تحولات ژئوپلیتیکی سالیان اخیر خاورمیانه، شکل‌گیری پیمان ابراهیم است. به اعتقاد آنان، این پیمان را می‌توان نقطه آغاز تحولات بنیادین در نظام منطقه‌ای غرب آسیا دانست که تأثیر شایانی بر ساختار سیاسی و امنیتی منطقه خواهد گذاشت. دراین‌راستا، هدف اصلی مقاله، تبیین ابعاد و مؤلفه‌های پیمان ابراهیم از منظر ژئوپلیتیک و ترسیم الگوی نظری آن است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فرامقوله‌های «عوامل شکل‌گیری» متشکل از ۱۴ مقوله، «پدیده محوری» متشکل از ۱۰ مقوله، «پیامدها» متشکل از ۱۸ مقوله و «اهداف» متشکل از ۱۲ مقوله، مبنای ارائه الگوی نظری پیمان ابراهیم را تشکیل می‌دهند. همچنین مهم‌ترین پیامدهای این پیمان، عدول برخی کشورهای عربی از آرمان فلسطین، تشدید مبارزات فلسطینیان و پویایی سیاست

خارجی ایران در تعامل با همسایگان پیش‌بینی شده است. تفاوت پژوهش یادشده با پژوهش حاضر، در تحلیل نتایج و پیامدهای پیمان ابراهیم است.

ترکاشوند و همکاران، در مقاله‌ای با عنوان «پیامدهای امنیتی پیمان ابراهیم بر راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران با مطالعه کشورهای امارات متحده عربی، بحرین، عربستان سعودی و عمان» (۱۴۰۳) به این فرضیه می‌رسند که برقراری روابط اسرائیل با این کشورها، موجب نزدیکی رژیم صهیونیستی به مرزهای جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عادی‌سازی روابط همسایگان جنوبی با رژیم صهیونیستی، از جنبه‌های گوناگون، بر بازنگری در رویکردهای دفاعی، سیاسی و امنیتی ایران اثر خواهد گذاشت. تفاوت پژوهش یاد شده با پژوهش حاضر، در تعداد کشورهای مورد مطالعه و نیز در بررسی نتایج و پیامدهای پیمان ابراهیم برای منطقه و خاورمیانه است.

عباسی و چهارمحالی اصفهانی، در مقاله‌ای با عنوان «روابط امارات متحده عربی با رژیم اسرائیل در پرتو قرارداد ابراهیم و تأثیر آن بر روابط همسایگی با جمهوری اسلامی ایران» (۱۴۰۳) معتقدند که سیاست خارجی امارات بر پایه ملاحظات ژئوپلیتیکی شکل گرفته است. جمعیت و وسعت جغرافیایی محدود این کشور، زمینه‌ساز اتخاذ سیاستی مبتنی بر پرهیز از تقابل با همسایگان بزرگ‌تر، از جمله جمهوری اسلامی ایران، بوده است. بااین‌حال، رویکرد سیاست خارجی امارات پس از خیزش‌های مردمی سال ۲۰۱۱ به سمت سیاستی فعال‌تر در قبال مسائل منطقه‌ای حرکت کرده است. ائتلاف این کشور با عربستان سعودی در جنگ یمن و انعقاد قرارداد با رژیم صهیونیستی تحت عنوان «قرارداد ابراهیم» در همین چهارچوب قابل ارزیابی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به دشمنی ایران با رژیم صهیونیستی، تحکیم روابط امارات متحده عربی و رژیم اسرائیل از طریق انعقاد قرارداد ابراهیم، زمینه حضور و نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه خلیج‌فارس را فراهم کرده و در نتیجه منافع ملی ایران را تهدید می‌کند. تفاوت پژوهش یادشده با پژوهش حاضر، در بررسی پیامدهای قرارداد ابراهیم و نیز تعداد کشورهای مورد مطالعه است.

شیخ‌الاسلامی و عطارزاده، در مقاله‌ای با عنوان «امکان‌سنجی پیوستن اندونزی و مالزی به توافقنامه‌های ابراهیم و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی» (۱۴۰۲) اشاره می‌کنند که یکی از مسائل مهم سالیان اخیر، تلاش اسرائیل برای برقراری روابط با کشورهای مسلمان بوده است؛ به‌گونه‌ای که از سال ۲۰۲۲، با چهار کشور مسلمان، یعنی امارات متحده عربی، بحرین، مراکش و سودان، در قالب توافقنامه ابراهیم، روابط خود را عادی‌سازی کرده است. دراین‌میان، گمانه‌زنی‌هایی درباره احتمال پیوستن دو کشور مهم مسلمان در منطقه آسیای جنوب شرقی، یعنی مالزی و اندونزی، به این روند وجود دارد و در صورت تحقق این امر، موج جدیدی از عادی‌سازی روابط میان کشورهای مسلمان و اسرائیل شکل خواهد گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پیوستن مالزی و اندونزی به توافقنامه‌های ابراهیم امکان‌پذیر نیست، اما مسیر پیوستن اندونزی نسبت به مالزی هموارتر است. تفاوت پژوهش یادشده با پژوهش حاضر، در بررسی پیامدهای توافقنامه ابراهیم و نیز تعداد کشورهای مورد مطالعه است.

آقاجانی منقاری و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «نقش رژیم صهیونیستی در شکل‌گیری و تحکیم پیمان ابراهیم» (۱۴۰۲)، ضمن بررسی علل و چرایی شکل‌گیری پیمان ابراهیم و اهداف راهبردی آن، نقش رژیم صهیونیستی در شکل‌گیری و تحکیم این پیمان را مورد بررسی قرار می‌دهند. فرضیه پژوهش حاکی از آن است که تلاش برای برقراری نظم جدید و ترتیبات امنیتی به‌منظور مهار جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا، زمینه شکل‌گیری و تحکیم پیمان ابراهیم را از سوی رژیم صهیونیستی و مقامات راست‌گرای آن فراهم کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مقامات راست‌گرای رژیم صهیونیستی نقش بسیار مؤثری در شکل‌گیری، تحکیم و قوام پیمان ابراهیم داشته‌اند. این مقامات به دنبال کاهش نفوذ و مهار قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه پرآشوب غرب آسیا هستند. تفاوت پژوهش یادشده با پژوهش حاضر، در بررسی علل شکل‌گیری و نیز نتایج و پیامدهای پیمان ابراهیم برای جمهوری اسلامی ایران است.

عمر رحمان در مقاله‌ای با عنوان «پنج دلیل برای اینکه توافقات ابراهیم زمینه را برای تنش‌زدایی اعراب و ایران فراهم می‌کند» (۲۰۲۳) اشاره می‌کند که روابط جدید عربستان و ایران فرصت‌های مهمی را به همراه دارد. به اعتقاد وی، انگیزه تنش‌زدایی در سطح

منطقه، از مبنای منطقی مستحکم‌تری نسبت به توافقنامه ابراهیم برخوردار است. همچنین پروژه عادی‌سازی روابط، به دلیل پنج ضعف عمده، با چالش‌های اساسی مواجه است. درحالی‌که عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل همچنان منتفی نیست، هزینه‌ای که آمریکا برای تحقق آن از طریق اعطای امتیاز به عربستان سعودی می‌پردازد، نشان‌دهنده ضعف‌های این توافق است. از سوی دیگر، روندهای همگرایی میان ایران و چین در حال افزایش است و ولیعهد عربستان، محمدبن سلمان، نیز در پیشبرد توافق ابراهیم با چالش‌های متعددی مواجه است. تفاوت پژوهش یاد شده با پژوهش حاضر، در بررسی پیامدهای توافق ابراهیم و نیز تعداد کشورهای مورد مطالعه است.

وکیل و نیل کویلیام در مقاله‌ای با عنوان «توافقات ابراهیم و عادی‌سازی اسرائیل و امارات» (۲۰۲۳) بیان می‌کنند که روابط میان اسرائیل و امارات متحده عربی با مجموعه‌ای از چالش‌های سیاسی، فرهنگی و منطقه‌ای مواجه است که رسیدگی به آن‌ها نیازمند زمان، تعامل و توجه دیپلماتیک است. این چالش‌ها، از تفاوت در ساختارهای سیاسی تا شکاف‌های تاکتیکی بر سر نحوه مدیریت و عدم پیشرفت در مسئله فلسطین را دربر می‌گیرد. به اعتقاد آنان، این اختلافات، توافق ابراهیم را از مسیر خود خارج نمی‌کند، اما می‌تواند همکاری اسرائیل و امارات را، دست‌کم در عرصه عمومی، پیچیده و محدود سازد. افزون بر این، این اختلافات ممکن است مانع از گسترش توافق ابراهیم شود که یکی از اهداف مهم سیاست خارجی اسرائیل به شمار می‌رود. تفاوت پژوهش یادشده با پژوهش حاضر، در بررسی پیامدهای توافق ابراهیم و دامنه کشورهای مورد مطالعه است.

۲. روش تحقیق

روش به‌کار رفته در این مقاله، روش کیفی و از نوع تحلیل اسنادی و نیز روش تحقیق تطبیقی است. پژوهش اسنادی، پژوهشی مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسناد، مانند آرشیوها یا آمار رسمی، است. وولف درباره نحوه استفاده از اسناد و مدارک بیان می‌کند که نباید تصور کرد واقعیت منعکس‌شده در اسناد، برخلاف مصاحبه که نشانگر نگرش ذهنی و شخصی است، واقعیتی عینی به شمار می‌آید. اسناد و مدارک، روایت خاصی از واقعیت را که به منظوری خاص برساخته شده است، بازگو می‌کنند و استفاده از آن‌ها

برای تأیید و اعتبار بخشیدن به یافته‌ها، دشوارتر از مصاحبه است (فلیک، ۱۴۰۲، ص. ۲۷۹).

روش تحلیل تطبیقی یکی از رویکردهای مهم در علوم اجتماعی کلان‌نگر است که به مطالعه پدیده‌های اجتماعی در سطح جوامع، کشورها و نظام‌های اجتماعی می‌پردازد. هدف اصلی این روش، پاسخ دادن به پرسش‌های کلان از طریق مقایسه واحدهای اجتماعی و کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های میان آن‌هاست. در این رویکرد، جوامعی که دارای ساختارهای مشابه هستند (رویکرد موردمحور/کیفی) یا جوامعی که از نظر ساختاری متفاوت‌اند (رویکرد متغیرمحور/کمی)، با یکدیگر مقایسه می‌شوند. این مقایسه می‌تواند به‌صورت تطبیق درونی (درون یک جامعه یا نظام) یا تطبیق بیرونی (میان چند جامعه یا کشور) انجام گیرد. تحلیل تطبیقی تنها به توصیف شباهت‌ها و تفاوت‌ها محدود نمی‌شود، بلکه به بررسی شرایط، علل و پیامدهای پدیده‌های اجتماعی در مقیاس کلان نیز می‌پردازد. در این چهارچوب، پدیده‌های اجتماعی به‌عنوان نتیجه یک فرایند تاریخی و شبکه‌ای از روابط علّی پیچیده در نظر گرفته می‌شوند، نه پدیده‌هایی ساده و مکانیکی. ازاین‌رو، این روش نقش مهمی در شکل‌گیری و توسعه نظریه‌های ساختاری در حوزه‌هایی مانند جامعه‌شناسی تاریخی، جامعه‌شناسی سیاسی، مطالعات انقلاب، سازمان‌ها و توسعه اجتماعی دارد.

۳. بررسی طرح‌ها، توافقنامه‌ها و پیمان‌های میان کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی

۳-۱. طرح صلح راجرز

در واکنش به آغاز نبرد میان اسرائیل و مصر در جبهه کانال سوئز (معروف به جنگ فرسایشی)، در دسامبر ۱۹۶۹، وزیر امور خارجه ایالات‌متحده آمریکا پیشنهادی برای برقراری صلح میان اعراب و اسرائیل ارائه کرد. در این دوره، جنبش مقاومت فلسطین از نظر عملکرد، ساختار اداری و گستره فعالیت، موفقیت‌های چشمگیری به دست آورد. جنگ فرسایشی از آن جهت اهمیت داشت که حملات هوایی به اعماق خاک مصر گسترش یافته بود. ازاین‌رو، وزیر امور خارجه آمریکا به‌منظور اجرای قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت، نامه‌هایی به دولت‌های مصر، اردن و اسرائیل ارسال کرد. هدف از این اقدام، ترغیب کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی به برقراری آتش‌بس و از سرگیری مذاکرات

زیر نظر نماینده دبیر کل سازمان ملل متحد، گونار یارینگ، بود تا زمینه اجرای قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت فراهم شود.

مهم‌ترین مفاد طرح صلح راجرز عبارت بود از: ۱. دعوت از سه طرف درگیر (مصر، اردن و رژیم صهیونیستی) برای آغاز مذاکرات زیر نظر گونار یارینگ، با هدف دستیابی به راه‌حلی اساسی و اجرای مفاد قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت؛ ۲. تعهد طرفین به برقراری آتش‌بس برای دوره‌ای سه‌ماهه، از ۱ ژوئیه ۱۹۷۰ تا ۱ اکتبر ۱۹۷۰؛ ۳. اعلام آمادگی هر یک از سه طرف برای اجرای دقیق مفاد قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت و معرفی نمایندگان خود به‌منظور ادامه مذاکرات زیر نظر یارینگ؛ ۴. دستیابی به صلحی دائم و عادلانه میان طرف‌های درگیر از طریق همکاری و مذاکره.

۲-۳. کمپ دیوید

پیمان کمپ دیوید معاهده‌ای بود که میان رئیس‌جمهور وقت مصر (انور سادات) و نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی (مناخیم بگین) در سپتامبر ۱۹۷۸ به امضا رسید. این پیمان در یکی از اقامتگاه‌های ریاست‌جمهوری آمریکا در کمپ دیوید نهایی شد و سپس با حضور رئیس‌جمهور وقت آمریکا (جیمی کارتر) در کاخ سفید به امضای طرفین رسید. در واقع، می‌توان گفت پیمان کمپ دیوید نخستین پیمان صلح میان یکی از کشورهای عربی و اسرائیل بود که در نهایت به برقراری صلح میان مصر و اسرائیل انجامید. همچنین انور سادات از نخستین رؤسای جمهور کشورهای عربی بود که موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخت. سران سه کشور موافقت و حمایت خود را از دو بیانیه علنی و اساسی اعلام کردند. بیانیه نخست با عنوان «چهارچوب صلح در خاورمیانه» و بیانیه دوم با عنوان «چهارچوب انعقاد پیمان صلح میان مصر و اسرائیل» منتشر شد (قالیباف، ۱۳۹۸، ص.۲۸۶).

۳-۳. کنفرانس مادرید

در ۳۰ اکتبر ۱۹۹۱ میلادی، در پایتخت اسپانیا، نمایندگان کشورهای عربی با نمایندگان اسرائیل دور یک میز نشستند و درباره مسائل مهمی مذاکره کردند. این کنفرانس به‌منظور

حل منازعه میان فلسطین و اسرائیل و ایجاد صلح میان کشورهای عربی و اسرائیل برگزار شد. از جمله ویژگی‌های این کنفرانس آن بود که بیشتر رهبران برجسته جهان در آن حضور داشتند. تا پیش از این، به‌جز انور سادات، رئیس‌جمهور مصر که در سال ۱۹۷۸ میلادی مذاکراتی با اسرائیل داشت، هیچ‌یک از کشورهای عربی با اسرائیل مذاکره‌ای انجام نمی‌دادند، اما برای نخستین بار در تاریخ، نمایندگان کشورهای عربی این تابو را شکستند. هدف از مذاکرات کنفرانس مادرید، در مرحله نخست، حل مسئله فلسطین و اسرائیل و سپس عادی‌سازی روابط میان کشورهای عربی و اسرائیل بود. در این کنفرانس، طرف‌های مذاکره‌کننده و حامیان نشست بر این باور بودند که کنفرانس مادرید می‌تواند زمینه را برای صلح در خاورمیانه فراهم کند. کشورهای عربی و غربی، مسئله فلسطین را مادر بحران‌ها می‌نامیدند. در این اجلاس، دو ابرقدرت جهان، یعنی ایالات‌متحده و شوروی، حضور فعالی داشتند. در کنفرانس مادرید، هیأت فلسطینی همراه با نمایندگان اردن به‌صورت مشترک حضور داشت. نمایندگان فلسطینی را ساف (سازمان آزادی‌بخش فلسطین) پشتیبانی می‌کرد (اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۱، ص. ۸۰).

۴-۳. پیمان اسلو

پس از ۱۱ دور گفتگوهای فشرده، سرانجام مذاکرات نهایی و مخفیانه‌ای در ۲۰ اوت ۱۹۹۳ در اسلو، پایتخت نروژ، میان اسرائیل و سازمان آزادی‌بخش فلسطین با حضور ایالات‌متحده آمریکا انجام شد. پیمان اسلو به‌طور رسمی در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ در واشینگتن دی. سی. با حضور بیل کلینتون به امضا رسید. این پیمان با نام رسمی «بیانیه اعلام اصول ترتیبات موقت خودگردانی» شناخته می‌شود. نماینده فلسطین، یاسر عرفات و نمایندگان اسرائیل، اسحاق رابین و شیمون پرز، در این نشست حضور داشتند و همان سال به دلیل تلاش برای پایان دادن به منازعه، برنده جایزه صلح نوبل شدند. ایده مرکزی پیمان اسلو، تشکیل دو دولت بود. هدف از توافقنامه اسلو این بود که بر اساس قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت سازمان ملل، حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین تحقق یابد. از مفاد این پیمان، مسئله شهرک‌سازی، کنترل قدس، مسجدالاقصی، امنیت ساکنان، تعیین مرزها، سرنوشت پناهندگان، وضعیت آب و در نهایت ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی بود که به سرانجام نرسید (اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۱، ص. ۸۰).

۵-۳. مذاکرات اسلو ۲

پس از شکست مذاکرات واشنگتن، مرحله جدید گفتگوها میان تشکیلات خودگردان فلسطین و اسرائیل در طابا با هدف از سرگیری مذاکرات آغاز شد. لازم به ذکر است که پیش از آغاز مذاکرات طابا، طرف‌های مذاکره‌کننده در دیداری امنیتی درباره مسائل مهمی گفتگو کردند. در این نشست امنیتی، شخصیت‌هایی همچون جبریل رجوب، محمد دحلان و صائب عریقات از طرف فلسطینی‌ها و موشه دایان، آمنون شاهاک و آوی دیشتر نیز از طرف اسرائیل حضور داشتند. نشست طابا در دو سطح و با تشکیل کمیته پناهندگان به ریاست یوسی بیلین، وزیر دادگستری اسرائیل و نبیل شعث، وزیر همکاری‌های بین‌المللی، برای بررسی مسائل قدس، مرزها و امنیت آغاز شد. پیش‌شرط‌های اسرائیل برای مذاکرات طابا شامل این موارد بود: پناهندگان فلسطینی حق بازگشت به سرزمین‌های اشغالی را نخواهند داشت؛ همچنین در مذاکرات طابا تفاهم‌نامه یا سندی درباره انتقال حاکمیت بیت‌المقدس و حرم شریف به فلسطینی‌ها امضا نخواهد شد. همچنین بر اساس این شروط، در هر نوع توافق صلح، هشتاد درصد از مناطق سامریه، یهودیه و نوار غزه در مجتمع‌های مسکونی تحت حاکمیت اسرائیل قرار می‌گرفت. در قرارداد طابا نیز ذکر شده بود که پس از عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی از مراکز شهرهای شش‌گانه (نابلس، جنین، طولکرم، رام‌الله، قلقیلیه و بیت‌لحم) در کرانه باختری، انتخابات فلسطینی برگزار شود (محمد صالح، ۱۳۹۴، ص.۸۳).

۶-۳. اجلاس شرم‌الشیخ (وای ریور)

در سپتامبر ۱۹۹۹، با حمایت ایالات‌متحده آمریکا، توافق شرم‌الشیخ میان رژیم صهیونیستی و تشکیلات خودگردان فلسطین به امضا رسید. بر اساس این توافق، طرفین متعهد شدند مذاکرات نهایی را تا سپتامبر ۲۰۰۰ به سرانجام برسانند. در این مذاکرات، موضوعات مهمی همچون آزادی زندانیان امنیتی فلسطینی، وضعیت قدس، منابع آب، مرزها و حق بازگشت آوارگان فلسطینی بررسی شد. همچنین مقرر گردید پس از تحقق توافق‌های پیش‌بینی‌شده، دولت فلسطین رسماً اعلام موجودیت کند. مهم‌ترین رویکردها و دیدگاه‌های طرف‌های اسرائیلی و فلسطینی در نشست شرم‌الشیخ عبارت بود از اینکه

اسرائیل تحت هیچ شرایطی حاضر به بازگشت به مرزهای ۴ ژوئن ۱۹۶۷ نبود، هرچند آمادگی داشت بخش‌هایی از سرزمین‌های اشغالی را واگذار کند. همچنین از دیدگاه اسرائیل، هیأت مذاکره‌کننده فلسطینی می‌بایست غیرنظامی باشد و استقرار نیروهای نظامی خارجی در شرق رود اردن نیز ممنوع شود. در مقابل، حکومت خودگردان فلسطین خواستار تخلیه کامل شهرک‌نشینان یهودی از سرزمین‌های اشغالی، عقب‌نشینی اسرائیل به مرزهای ۱۹۶۷ و تأسیس دولت مستقل فلسطینی بود (محمد صالح، ۱۳۹۴، ص.۱۰۴).

۷-۳. طرح صلح ترامپ؛ معامله قرن

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت ایالات‌متحده آمریکا، در سال ۲۰۱۷ با هدف حل منازعات موجود میان اسرائیل و کشورهای عربی و اسلامی، طرحی با عنوان «معامله قرن» ارائه کرد. این طرح، جدیدترین ابتکار ایالات‌متحده برای حل‌وفصل منازعه فلسطین و اسرائیل پس از بیش از ۲۵ سال از آخرین تلاش جدی در این زمینه (۲۰۰۳) به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد از جمله اهداف آمریکا از ارائه این طرح و سپس پیمان ابراهیم، برقراری صلح و ثبات در خاورمیانه، کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه و فراهم‌سازی بستر سرمایه‌گذاری‌های گسترده بخش خصوصی بوده است. در دسامبر ۲۰۱۷، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در اقدامی بی‌سابقه، بیت‌المقدس را به‌عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی به رسمیت شناخت و دستور انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس را صادر کرد. بر اساس مفاد معامله قرن، مقرر شد رژیم صهیونیستی، تشکیلات خودگردان فلسطین و جنبش حماس برای شکل‌گیری دولت فلسطینی به توافق دست یابند. همچنین پیش‌بینی شد دولت فلسطین از طریق یک گذرگاه ارتباطی، کرانه باختری را به نوار غزه متصل کند. در مقابل، فلسطینی‌ها می‌بایست کرانه باختری و بخش‌هایی از بیت‌المقدس را به اسرائیل واگذار کنند (آجیلی، ۱۴۰۰، ص. ۸۵). مهم‌ترین وجه تمایز این طرح با طرح‌های پیشین، تأکید دونالد ترامپ بر همکاری‌های منطقه‌ای و توسعه اقتصادی در خاورمیانه بود. بااین‌حال، معامله قرن با مخالفت شدید تشکیلات خودگردان فلسطین و سایر گروه‌های فلسطینی مواجه شد؛ زیرا مفاد آن، توافق‌های پیشین، به‌ویژه پیمان اسلو را عملاً تحت‌الشعاع قرار می‌داد. مخالفان بر این باور بودند که

این طرح، حقوق و مطالبات مشـروع فلسطینیان را نادیده گرفته، موجودیت سیاسی آنان را تضعیف کرده و در راستای تأمین منافع و حمایت از رژیم صهیونیستی تدوین شده است.

۸-۳. پیمان ابراهیم

یکی از ابتکارهای دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۰، تلاش برای حل منازعات تاریخی خاورمیانه از طریق انعقاد پیمان ابراهیم بود. طراحان این توافق در پی ایجاد پیوند میان سـه دین بزرگ توحیدی، یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام، بودند و حضرت ابراهیم را به‌عنوان نیای مشترک این ادیان معرفی می‌کردند (آقاجانی منقاری و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۸۵). پیمان ابراهیم، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین توافق‌های سیاسـی در خاورمیانه، زمینه عادی‌سـازی روابط سیاسـی و اقتصادی اسـرائیل با برخی کشـورهای عربـی، از جمله امارات متحـده عربی، بحرین، سـودان و مراکش را فراهم کرد (شـاه‌رضایی و همـکاران، ۱۴۰۳، ص. ۲۹۱). مهم‌ترین مفاد و بندهای پیمان ابراهیم میان کشـورهای عربی و اسرائیل به شرح زیر است:

۱. **برقراری صلح، روابط دیپلماتیک و عادی‌سازی:** بدین‌وسیله صلح، روابط دیپلماتیک و عادی‌سازی کامل روابط دوجانبه بین کشورهای عربی و اسرائیل برقرار می‌شود.

۲. **اصـول کلی:** طرفین در روابط خود تابع مفاد منشـور سـازمان ملل متحد و اصول حقـوق بین‌الملل حاکم بر روابط بین کشـورها خواهند بود. به‌ویژه آن‌ها حاکمیت و حق یکدیگـر برای زندگی در صلح و امنیت را به رسـمیت شـناخته و بـه آن احترام خواهند گذاشت، روابط دوستانه و همکاری بین خود و مردمشان را توسعه داده و کلیه اختلافات بین خود را از طریق مسـالمت‌آمیز حل‌وفصل خواهند کرد.

۳. **تأسـیس سـفارتخانه‌ها:** طرفین پس از امضای این پیمان، در اسـرع وقت ممکن، سـفیران مقیم خود را مبادله خواهند کرد و روابط دیپلماتیک و کنسولی را مطابق با قواعد حاکم بر حقوق بین‌الملل برقرار خواهند نمود.

۴. **صلح و ثبات:** طرفین اهمیت عمیقی برای تفاهم متقابل، همکاری و هماهنگی بین خود در حوزه‌های صلح و ثبات، به‌عنوان ستون اساسی روابطشان و وسیله‌ای برای تقویت ایـن حوزه‌ها در کل خاورمیانه، قائل خواهند بود. آن‌ها متعهد می‌شـوند اقدامات لازم را

برای جلوگیری از هرگونه فعالیت تروریستی یا خصمانه علیه یکدیگر در داخل یا از خاک خود انجام دهند و همچنین هرگونه حمایت از چنین فعالیت‌هایی در خارج از کشور یا اجازه چنین حمایتی را در داخل یا از خاک خود رد کنند. با اذعان به دوران جدید صلح و روابط دوستانه بین خود و همچنین محوریت ثبات برای رفاه مردم خود و منطقه، طرفین متعهد می‌شوند که این مسائل را به‌طور منظم بررسی و موردبحث قرار دهند و توافقنامه‌ها و ترتیبات دقیقی را در مورد هماهنگی و همکاری منعقد کنند.

۵. همکاری و توافق در سایر حوزه‌ها: طرفین، به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از تعهد خود نسبت به صلح، رفاه، برقراری روابط دیپلماتیک و دوستانه، همکاری و عادی‌سازی کامل روابط، متعهد شدند برای تحقق صلح، ثبات و رفاه در سراسر خاورمیانه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های گسترده کشورهای خود و منطقه تلاش کنند. درهمین‌راستا، طرفین توافق کردند در سریع‌ترین زمان ممکن، توافقنامه‌های دوجانبه‌ای را در زمینه‌های زیر و سایر حوزه‌های مورد علاقه مشترک که مورد توافق قرار گیرد، منعقد کنند: امور مالی و سرمایه‌گذاری؛ هوانوردی غیرنظامی؛ صدور روادید و خدمات کنسولی؛ نوآوری، روابط تجاری و اقتصادی؛ مراقبت‌های بهداشتی؛ علم و فناوری؛ استفاده‌های صلح‌آمیز از فضای بیرونی؛ گردشگری، فرهنگ و ورزش؛ انرژی؛ محیط‌زیست؛ آموزش؛ ترتیبات دریایی؛ مخابرات و خدمات پستی؛ کشاورزی و امنیت غذایی؛ مدیریت منابع آب؛ همکاری‌های حقوقی.

۶. تفاهم و همزیستی متقابل: طرفین متعهد شدند تفاهم، احترام متقابل، همزیستی مسالمت‌آمیز و فرهنگ صلح را میان جوامع خود، با تأکید بر میراث مشترک ادیان ابراهیمی و آغاز دوره جدیدی از صلح و روابط دوستانه ناشی از این پیمان، تقویت کنند. درهمین راستا، آنان بر توسعه برنامه‌های مردمی، گفتگوی میان ادیان و گسترش تبادلات فرهنگی، دانشگاهی، علمی و جوانان میان جوامع خود تأکید کردند. همچنین طرفین توافق کردند ترتیبات و توافقنامه‌های لازم در زمینه صدور روادید و خدمات کنسولی را به‌منظور تسهیل سفر ایمن و کارآمد اتباع خود به قلمرو یکدیگر، منعقد و اجرا کنند. علاوه‌براین، طرفین متعهد شدند برای مقابله با افراط‌گرایی، نفرت‌پراکنی، تفرقه‌افکنی، تروریسم و توجیهات مرتبط با آن، از جمله از طریق جلوگیری از فرایندهای افراطی‌شدن،

جـذب نیرو، تحریک و تبعیض، با یکدیگر همـکاری کنند. همچنین آنان بر ایجاد یک مجمع مشترک در سطح عالی با هدف ترویج صلح و همزیستی و پیگیری اهداف مذکور تأکید کردند.

۷. دسـتور کار اسـتراتژیک بـرای خاورمیانـه: علاوه بر توافق‌هـای ابراهیم، طرفین آماده‌انـد تا بـا ایالات‌متحده برای توسـعه و راه‌اندازی «دسـتور کار اسـتراتژیک برای خاورمیانه» به‌منظور گسترش همکاری‌های دیپلماتیک، تجاری، ثبات و سایر همکاری‌های منطقه‌ای همکاری کنند. آن‌ها متعهد به همکاری با یکدیگر و با ایالات‌متحده و دیگران، در صـورت لزوم، برای پیشـبرد آرمان صلح، ثبات و رفـاه در روابط بین خود و برای کل خاورمیانـه هسـتند؛ ازجمله با تلاش برای پیشـبرد امنیت و ثبات منطقـه‌ای، دنبال کردن فرصت‌هـای اقتصادی منطقه‌ای، ترویج فرهنگ صلح در سراسـر منطقه و در نظر گرفتن برنامه‌های مشترک کمک و توسعه.

۸. سـایر حقوق و تعهدات: این معاهده به‌هیچ‌وجه بر حقوق و تعهدات طرفین تحت منشـور سـازمان ملل متحد تأثیری ندارد و به‌گونه‌ای تفسـیر نخواهد شد که بر آن‌ها تأثیر بگـذارد. طرفین تمام اقدامات لازم را برای اجرای مفاد کنوانسـیون‌های چندجانبه‌ای که هـر دو عضو آن‌ها هسـتند، در روابط دوجانبه خـود، از جمله ارائه اطلاعیه مناسـب به امین‌های چنین کنوانسیون‌هایی، انجام خواهند داد.

۹. احترام به تعهدات: طرفین متعهد می‌شـوند که تعهدات خود را تحت این معاهده، بـدون توجه بـه اقدام یا عدم اقدام هر طرف دیگر و مسـتقل از هر گونه سـندی که با این معاهـده مغایرت دارد، با حسـن نیت انجام دهند. برای اهـداف این بند، هر یک از طرفین به‌طرف دیگر اعلام می‌کند که در نظر و تفسیر خود هیچ‌گونه مغایرتی بین تعهدات معاهده موجـود آن‌ها و این معاهده وجود ندارد. طرفین متعهد می‌شـوند کـه هیچ تعهدی را که با این معاهده مغایرت داشـته باشد، نپذیرند. با رعایت ماده ۱۰۳ منشور سازمان ملل متحد، در صورت تعارض بین تعهدات طرفین تحت معاهده حاضر و هر یک از سـایر تعهدات آن‌ها، تعهـدات تحت این معاهده الزام‌آور خواهد بود و اجرا خواهد شـد. طرفین همچنین متعهد می‌شوند که هرگونه قانون یا رویه قانونی داخلی دیگری را که برای اجرای این معاهده لازم است، تصویب کنند و هرگونه قانون ملی یا انتشارات رسمی مغایر با این معاهده را لغو کنند.

۱۰. **تصویب و لازم‌الاجرا شدن:** این معاهده در اسرع وقت و مطابق با رویه‌های ملی مربوطه، به تصویب هر دو طرف خواهد رسید و پس از تبادل اسناد تصویب، لازم‌الاجرا خواهد شد.

۱۱. **حل‌وفصل اختلافات:** اختلافات ناشی از اجرا یا تفسیر این معاهده از طریق مذاکره حل‌وفصل خواهد شد. هرگونه اختلافی از این قبیل که از طریق مذاکره قابل‌حل نباشد، می‌تواند با توافق طرفین به سازش یا داوری ارجاع شود.

۱۲. **ثبت:** این معاهده طبق مفاد ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد برای ثبت به دبیر کل سازمان ملل متحد ارسال خواهد شد.

۴. بررسی وجوه اشتراک و افتراق پیمان ابراهیم با سایر ایده‌ها

پرواضح است طراحان پیمان ابراهیم به دنبال تحقق اهداف خاص و منحصربه‌فردی از تدوین و نگارش این پروژه بودند که نسبت به توافقنامه‌های گذشته به لحاظ شکلی و ماهوی عینی‌تر و کارآمدتر باشد. موارد زیر وجوه شباهت و افتراق پیمان ابراهیم با سایر طرح‌های مشابه است.

جدول شماره ۱: وجوه شباهت پیمان ابراهیم با سایر طرح‌ها

هژمونی و سلطه مجدد قدرت‌های خارجی در منطقه خاورمیانه پس از بیست سال
همه این ابتکارات در راستای تلاش برای برقراری صلح و ثبات در منطقه خاورمیانه
طراحی و کنشگری فعال ایالات‌متحده برای منطقه خاورمیانه
تأکید بر عادی‌سازی روابط یا کاهش خصومت
پیوند خوردن مسئله صلح یا مسائل منطقه‌ای و منافع استراتژیک همچون تجارت، امنیت، اقتصاد و انرژی
وابستگی خاورمیانه به حضور قدرت‌های خارجی برای حل مشکلات تاریخی
عدم همراهی و موافقت تعداد زیادی از کشورهای عربی و کشورهای عضو پیمان ابراهیم با ابتکارات ایالات‌متحده آمریکا

جدول شماره ۲: وجوه افتراق پیمان ابراهیم با سایر طرح‌ها

تأکید فزاینده بر شکوفایی اقتصادی تا حل مسائل سیاسی
اولویت صلح عربی- اسرائیلی و به حاشیه رفتن مسئله فلسطین
عادی‌سازی دومینه وار روابط کشورهای عربی با اسرائیل
مقابله با ایران و کاهش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه
پیمان ابراهیم توافق تکمیل‌شده و امضاشده است، ولی سایر طرح‌ها بیشتر روند یا چهارچوب مذاکراتی
نفوذ رژیم صهیونیستی به پشت مرزهای ایران
تفاوت در کنشگران و بازیگران اصلی
تفاوت در نوع امتیازات داده‌شده
تفاوت در مقیاس و ساختار مذاکرات
تفاوت در زمینه‌ها و انگیزه‌ها
تفاوت در عملکرد و تأثیر منطقه‌ای

۵. بررسی رویکرد طرح‌ها، تفاهم‌نامه‌ها و پیمان‌ها با یکدیگر

جدول شماره ۲: وجوه افتراق پیمان ابراهیم با سایر طرح‌ها

	پیمان ابراهیم (۲۰۲۰)	شرم‌الشیخ (۲۰۰۵)	نشست اسلو (۱۹۹۳)	نشست مادرید (۱۹۹۱)	کمپ دیوید (۱۹۷۸)	طرح راجرز (۱۹۷۰)
نوع ابتکار	توافق نهایی عادی‌سازی	اجلاس امنیتی/ آتش‌بس	چهارچوب مذاکرات+ توافق موقت	چهارچوب مذاکرات چندجانبه	توافق صلح نهایی	طرح سیاسی/ آتش‌بس
بازیگران اصلی	امارات، بحرین، سودان، مراکش با اسرائیل	اسرائیل- تشکیلات- مصر- اردن و...	اسرائیل -ساف	آمریکا- شوروی+اعراب +اسرائیل	مصر-اسرائیل	آمریکا- مصر- اسرائیل

	پیمان ابراهیم (۲۰۲۰)	شرم‌الشیخ (۲۰۰۵)	نشست اسلو (۱۹۹۳)	نشست مادرید (۱۹۹۱)	کمپ دیوید (۱۹۷۸)	طرح راجرز (۱۹۷۰)
نقش فلسطین	حاشیه‌ای و بدون مشارکت	کاملاً محوری	طرف اصلی	کاملاً محوری	محدود (ناکامی کمپ دیوید ۲)	غیرمستقیم
هدف اصلی	عادی‌سازی روابط، همکاری امنیتی و اقتصادی	آتش‌بس، قطع خشونت و هماهنگی امنیتی	ایجادخودگردانی فلسطینی‌وآغاز روندوضعیت نهایی	شروع روند صلح جامع	خاتمه جنگ مصر-اسرائیل و بازپس‌گیری سینا	توقف جنگ و ایجاد آتش‌بس‌برای مذاکرات
ماهیت مذاکرات	دوجانبه، پشت پرده و سریع	چندجانبه‌و امنیتی	مخفیانه-علنی	چندجانبه و علنی	سه‌جانبه	یک‌طرفه از سوی آمریکا
تمرکز اصلی پرونده‌ها	اقتصادی، فناوری، ایران و دیپلماسی	امنیت فوری و ضد تروریسم	خودگردانی، امنیت، اسکان و مرزهای آینده	مرزها، امنیت، پناهندگان و آب	زمین (سینا)، امنیت و شناسایی	امنیت و آتش‌بس
ارتباط با ایران	بسیار پررنگ	محدود و غیرمستقیم	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
ماهیت نتیجه	روابط کامل دیپلماتیک و همکاری گسترده	تنظیمات‌امنیتی موقت	تشکیل تشکیلات خودگردان	شروع روند نه توافق نهایی	صلح+ عقب‌نشینی	آتش‌بس محدود
سرعت و سازوکار	سریع و مستقیم	موقت و مبتنی بر نیاز	مرحله‌ای	طولانی‌مدت	مذاکرات فشرده	تدریجی و محدود
واکنش فلسطینی‌ها	مخالفت شدید	مشارکت مشروط	مشارکت مستقیم	مشارکت‌همراه با اختلاف	مخالفت(کمپ دیوید ۲)	مخالفت متوسط
تغییرات سرزمینی	ندارد	ندارد	جزئی (خودگردانی در غزه/اریحا)	بحث شد ولی اجرانشد	بازپس‌گیری کامل صحرای سینا برای مصر	ندارد
تأثیر منطقه‌ای	تشکیل ائتلاف جدید عربی-اسرائیلی	تثبیت‌همکاری امنیتی	تحول‌ساختار فلسطینی	آغاز روند چندجانبه	شکستن تابوی صلح با اسرائیل	کاهش موقت تنش

۶. شرایط اجرای مفاد طرح پیمان ابراهیم

۶-۱. نسبت کشور امارات متحده عربی و پیمان ابراهیم

در راستای هدف دونالد ترامپ در جهت تحقق اهداف پیمان ابراهیم که مهم‌ترین آن برقراری رابطه صلح میان کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی مقرر شد کشور امارات متحده عربی وارد فرایند عادی‌سازی روابط با اسرائیل گردد. مفاد و بندهای پیمان ابراهیم میان امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی به‌قرار ذیل است:

- تحول بنیادین در منطقه خاورمیانه از طریق عادی‌سازی روابط بین امارات و اسرائیل به‌وسیله رشد اقتصادی و افزایش نوآوری‌های فناوری و برقراری حسن روابط میان مردم؛
- ایجاد صلح، تقویت روابط دیپلماتیک میان اسرائیل و امارات و عادی‌سازی کامل روابط دو طرف؛
- به رسمیت شناختن حق حاکمیت بر اساس منشور سازمان ملل متحد و ایجاد روابط نزدیک و دوستانه میان مردم؛
- تأسیس سفارتخانه، تبادل سفیر و ایجاد روابط کنسولی؛
- ممانعت از فعالیت گروه‌های خرابکارانه و تروریست در داخل یا خارج از قلمرو امارات و اسرائیل؛
- برقراری تفاهم‌نامه دوجانبه در حوزه هوانوردی، خدمات ویزا و کنسولی، بهداشت و درمان، گردشگری، انرژی، آموزشی، محیط‌زیست، دریایی، امنیت، کشاورزی و غذا، آب، تأمین مالی و سرمایه‌گذاری؛
- ایجاد کمیته گفتگوی بین ادیان و مبادلات فرهنگی، دانشگاهی و علمی؛
- اعلام آمادگی طرفین پیمان ابراهیم برای توسعه و گسترش دیپلماسی، روابط تجاری و همکاری‌های منطقه‌ای.

در راستای راهبردهای مذکور تاکنون اقدامات و فعالیت‌هایی ذیل بین امارات و اسرائیل صورت گرفته است:

۱. در ۱۳ آگوست ۲۰۲۰، پس از یک تماس سه‌جانبه، دونالد ترامپ، شیخ محمد بن زاید آل نهیان، ولیعهد ابوظبی و بنیامین نتانیاهو بیانیه مشترکی صادر کردند و اعلام کردند که امارات و اسرائیل برای عادی‌سازی کامل روابط به توافق رسیده‌اند.

۲. در ۱۶ اگوست ۲۰۲۰ امارات متحده عربی کد ۹۷۲+ اسرائیل را لغو کرد و امکان برقراری ارتباط مستقیم تلفنی را فراهم کرد.

۳. در ۲۹ اگوست ۲۰۲۰ امارات متحده عربی رسماً تحریم اقتصادی اسرائیل را لغو کرد.

۴. در ۳۱ اگوست ۲۰۲۰ پرواز شماره ۹۷۱ شرکت هواپیمایی اولین سرویس مسافربری مستقیم خود را از تل‌آویو به ابوظبی آغاز کرد.

۵. در ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۰ بانک ملی امارات (NBD) و بانک هاپوالیم اسرائیل اولین تفاهم‌نامه بین بانکی امارات و اسرائیل را امضا کردند.

۶. در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ ایالات‌متحده، اسرائیل، امارات متحده عربی و بحرین در کاخ سفید پیمان ابراهیم را امضا کردند. امارات متحده عربی و اسرائیل همچنین پیمان صلح، روابط دیپلماتیک و عادی‌سازی کامل روابط را امضا کردند.

۲-۶. نسبت کشور بحرین و پیمان ابراهیم

کشور بحرین یکی دیگر از کشورهای عربی بود که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۰ به پیمان ابراهیم و پروژه عادی‌سازی روابط با اسرائیل پیوست. این توافقنامه چهار روز بعد، در ۱۵ سپتامبر، به‌طور رسمی امضا شد و در واقع بحرین چهارمین کشور عربی بود که رژیم صهیونیستی را بر اساس این توافقنامه به رسمیت شناخت. اهم موارد این پیمان به شرح ذیل است:

- به رسمیت شناختن یکدیگر؛
- ارائه یک راه‌حل و راهکار اساسی در خصوص مسئله فلسطین؛
- ایجاد روابط دیپلماتیک، امنیت پایدار، اجتناب از تهدید و زور؛
- برقراری همزیستی و صلح میان طرفین؛
- ایجاد همکاری در حوزه‌های گردشگری، امنیت، فناوری، انرژی، فرهنگ، سرمایه‌گذاری، ارتباطات و بهداشت؛
- تأسیس سفارتخانه‌ها در اسرائیل و بحرین.

در راستای راهبردهای مذکور تاکنون اقدامات و فعالیت‌هایی ذیل بین بحرین و اسرائیل صورت گرفته است:

۱. در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ بحرین و اسرائیل در واشنگتن دی سی، توافقنامه آبراهام و اعلامیه دوجانبه صلح، همکاری و روابط دیپلماتیک و دوستانه سازنده را امضا کردند.

۲. در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۰، اسرائیل و بحرین بیانیه مشترکی در مورد برقراری روابط دیپلماتیک، صلح‌آمیز و دوستانه در منامه امضا کردند و چندین تفاهم‌نامه در زمینه‌های همکاری اقتصادی، هوانوردی غیرنظامی، همکاری بین وزارتخانه‌های دارایی، ارتباطات و خدمات پستی، کشاورزی، معافیت از نیاز به ویزا برای دیپلمات‌ها، همکاری بین وزارتخانه‌های امور خارجه و همکاری بین اتاق‌های بازرگانی منعقد کردند.

۳. در ۱۸ نوامبر ۲۰۲۰، عبداللطیف بن راشد الزیانی، وزیر امور خارجه بحرین، اولین سفر رسمی یک وزیر بحرینی به اسرائیل را انجام داد و با بنیامین نتانیاهو، گابی اشکنازی، وزیر امور خارجه اسرائیل و مایک پمپئو، وزیر امور خارجه ایالات‌متحده، دیدار کرد.

۴. در ۱ دسامبر ۲۰۲۰، زاید بن راشد الزیانی، وزیر صنعت، تجارت و گردشگری بحرین برای گسترش روابط اقتصادی و گردشگری از اسرائیل بازدید کرد. بحرین و اسرائیل تفاهم‌نامه‌هایی را در زمینه همکاری فنی، نوآوری، انتقال فناوری و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط امضا کردند.

۵. در ۲ دسامبر ۲۰۲۰ اسرائیل و بحرین توافقنامه گردشگری دوجانبه‌ای را امضا کردند که انجمن مشترکی را برای ترویج گردشگری اسرائیل و بحرین ایجاد می‌کند.

۶. در ۲ مارس ۲۰۲۱ بحرین و اسرائیل توافقنامه تبادل پستی را امضا کردند که به سرویس پستی اسرائیل امکان می‌دهد بسته‌ها را مستقیماً به بحرین ارسال کند.

۳-۶. نسبت کشور سودان با پیمان ابراهیم

دومینوی عادی‌سازی روابط میان اسرائیل و کشورهای عربی سبب شد تا دونالد ترامپ، در ۲۳ اکتبر ۲۰۲۰ اعلام کند که سودان نیز به پیمان ابراهیم ملحق شده است. دراین‌راستا، در بیانیه‌ای که اسرائیل، سودان و ایالات‌متحده آمریکا در قالب پیمان ابراهیم امضا کردند، آمده است که طرفین با عادی‌سازی روابط سیاسی سودان و اسرائیل موافقت کرده‌اند و با پایان دادن به اختلافات و تنش‌های گذشته موافق هستند (ملکی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹، ص. ۵۴). متن منتشر شده درباره توافق میان اسرائیل و سودان همان

اعلامیه پیمان ابراهیم است و گویی نسبت به متن امضا شده میان رژیم صهیونیستی و سایر کشورهای عربی کوتاه‌تر بوده است (Yossef, 2021, p.16).

در راستای راهبردهای مذکور تاکنون اقدامات و فعالیت‌هایی ذیل بین سودان و اسرائیل صورت گرفته است:

۱. در ۲۳ نوامبر ۲۰۲۰ هیأت اسرائیلی برای مذاکره در مورد کشاورزی، امنیت غذایی، آب و همکاری در زمینه مراقبت‌های بهداشتی به‌عنوان اولین پیگیری اعلام عادی‌سازی، از خارطوم بازدید می‌کند.

۲. در ۶ ژانویه ۲۰۲۱، نصرالدین عبدالباری، وزیر دادگستری، اعلامیه توافقنامه ابراهیم را در خارطوم با استیون منوچین، وزیر خزانه‌داری ایالات‌متحده که به سودان سفر کرده بود، امضا کرد و راه را برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل و دسترسی به تأمین مالی بانک جهانی هموار کرد، اگرچه سودان خاطرنشان می‌کند که عادی‌سازی کامل روابط هنوز در انتظار تصمیمات نهادهای انتقالی است.

۳. در ۲۶ ژانویه ۲۰۲۱، الی کوهن، وزیر اطلاعات اسرائیل، در رأس هیأتی رسمی به خارطوم سفر کرد تا در اولین سفر یک وزیر کابینه اسرائیل، با همتایان سودانی خود در مورد همکاری‌های دیپلماتیک، امنیتی و اقتصادی گفتگو کند.

۴. در ۷ فوریه ۲۰۲۱، خاخام دیوید روزن از کمیته یهودیان آمریکا در رویداد بین ادیان در خارطوم سخنرانی کرد؛ ابوالقاسم بورتوم، برگزارکننده، گفت که هدف «شکستن مانع روانی» و ترویج همزیستی است.

۵. در ۱۱ فوریه ۲۰۲۱، عبدالفتاح البرهان، رهبر شورای حاکمیتی سودان، از طریق ویدئو کنفرانس در اجلاس اسرائیل برای همزیستی مسالمت‌آمیز سخنرانی کرد و اعلام کرد که «چشم‌انداز ما پیروی از مسیر تساهل جهانی، ایجاد مفاهیم صلح جهانی و کمک به رنسانس جهانی و محلی از طریق تبادل تجربیات با کشورهای منطقه و کشورهای دوست است».

۶. در ۶ آوریل ۲۰۲۱، کابینه سودان به لغو قانون تحریم اسرائیل مصوب ۱۹۵۸ رأی داد و گفت که جلسه مشترک کابینه و شورای حاکمیتی باید این اقدام را تحت سیستم انتقالی سودان نهایی کند.

۴-۶. نسبت کشور مراکش با پیمان ابراهیم

کشـور مراکش چهارمین کشـور عربی به‌حسـاب می‌آید که بعد از امـارات، بحرین و سـودان روابط سیاسی خود را با اسـرائیل عادی کرد. در ۱۰ دسامبر ۲۰۲۰ با میانجی‌گری ایالات‌متحده آمریکا بعد از حدود ۲۰ سـال ارتباطات رسـمی برقـرار کردند. موارد مهم بیانیه دو کشور به‌قرار ذیل است:

- به رسـمیت شناختن تسلط مراکش بر صحرای غربی از سوی ایالات‌متحده آمریکا؛
- گسـترش فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بین مراکش و اسرائیل؛
- تأکید بر آرمان فلسـطین به‌عنوان مهم‌ترین مسئله جهان اسلام؛
- عادی‌سـازی و ایجاد روابط صلح و عاری از خشونت؛
- برقراری پروازهای مسـتقیم بین اسـرائیل و مراکش و اجازه عبـور از فضای هوایی یکدیگر؛
- ایجاد و تشـکیل نمایندگی‌ها در پایتخت مراکش و اسرائیل؛
- پیگیری زمینه‌های همکاری مالی، تجاری، فناوری، کشاورزی، انرژی، گردشگری و... (بابایی و میریوسفی،۱۴۰۱، ص.۹۳).

در راسـتای راهبردهای مذکور تاکنـون اقدامات و فعالیت‌هایی ذیـل بین مراکش و اسرائیل صورت گرفته است:

۱. در ۱۰ دسامبر ۲۰۲۰ کاخ سفید از توافق بین مراکش و اسرائیل برای برقراری روابط کامـل دیپلماتیک و اعلامیه ریاسـت جمهوری مبنی بر به رسـمیت شـناختن حاکمیت مراکـش بر صحرای غربی و تأیید طرح خودمختاری مراکش خبر داد.

۲. در ۲۲ دسامبر ۲۰۲۰ مراکش، اسرائیل و ایالات‌متحده اعلامیه مشترک سه جانبه‌ای را در ربـاط امضا کردند کـه آن‌ها را به بازگشـایی دفاتر ارتباطی، راه‌انـدازی پروازهای مستقیم و گسترش همکاری‌های اقتصادی متعهد می‌کند.

۳. در ۱۵ ژوئیـه ۲۰۲۱ اداره ملـی سـایبری اسـرائیل و اداره کل امنیت سیسـتم‌های اطلاعاتی مراکش (DGSSI) اولین توافقنامه همکاری دوجانبه امنیت سایبری را در زمینه اشـتراک‌گذاری اطلاعات، تحقیق و توسعه و همکاری عملیاتی امضا کردند.

۴. در ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۱ ارتباطات هوایی تجاری مستقیم با پروازهای افتتاحیه اسرائیل ایر و ال عال تل‌آویو-مراکش آغاز شد.

۵. در ۱۱ آگوست ۲۰۲۱، یائیر لاپید، وزیر امور خارجه اسرائیل، از مراکش بازدید کرد و دفتر ارتباطات اسرائیل را افتتاح کرد و توافقنامه‌های خدمات هوایی، جوانان، فرهنگ و ورزش و مشاوره سیاسی را امضا کرد.

۷. تأثیر اجرای پیمان ابراهیم بر گفتمان انقلاب اسلامی

پرواضح است که اجرای پیمان ابراهیم با گفتمان انقلاب اسلامی رابطه‌ای پیچیده و متضاد دارد. همان‌طور که در بالا اشاره شد، اجرای پیمان ابراهیم میان کشورهای عربی و اسرائیل در جهت اجماع علیه کشورهای موافق جریان مقاومت و امنیتی سازی جمهوری اسلامی ایران، برون‌سپاری مسائل منطقه خاورمیانه به قدرت‌های خارجی، ائتلاف علیه جریان مقاومت، ائتلاف جهانی و منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران و کشورهای حامی فلسطین و مقاومت، منفعل کردن جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جلوگیری از کنشگری فعال و هدفمند با هدف تغییر در اصول و سیاست‌های کلان خارجی ایران، کاهش قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا و منطقه خاورمیانه، برهم خوردن نظم موجود و ایجاد نظم جدید با محوریت کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی، تغییر الگوی تاریخی عربی ـ اسرائیلی، تمرکز بر حل مناقشات میان کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی و بی‌توجهی به مسئله فلسطین، متقاعد کردن کشورهای عربی به اهمیت و ضرورت تسلط اسرائیل بر بلندی‌های جولان و به رسمیت شناختن حاکمیت اسرائیل بر آن و ایجاد نظم منطقه‌ای جدید در خاورمیانه صورت گرفت.

از سوی دیگر، گفتمان انقلاب اسلامی، به‌عنوان مفهومی سیاسی برگرفته از نظریات امام خمینی، بر مسائلی همچون استکبارستیزی، دفاع از مظلومان، مقابله با آمریکا، حمایت از فلسطین و قدس شریف، ضدیت با اسرائیل، تقویت جریان مقاومت و گروه‌های مخالف آمریکا و دوستی با کشورهای اسلامی تأکید دارد (امام خمینی، ۱۳۸۱، ص. ۳۱). در گفتمان انقلاب اسلامی، به‌منظور حمایت از آرمان فلسطین، هرگونه همکاری و تعامل با اسرائیل منع شده است، اما پیمان ابراهیم در جهت عادی‌سازی روابط کشورهای عربی و اسلامی

با اســرائیل پایه‌ریزی شــده اســت که این امر با اصول بنیادین گفتمان انقلاب اسلامی در تضادی آشــکار قرار دارد. همچنین در گفتمان انقلاب اسلامی، تقویت گروه‌های مقاومت (حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلســطین) و حمایت از کشــورهای حامی آرمان فلسطین (عراق، لبنان، سوریه و یمن) اهمیت و اهتمام خاصی دارد. بااین‌حال، اجرای پیمان ابراهیم ســبب بی‌تفاوتی کشورهای اسلامی نسبت به مسئله فلسطین می‌شود. همچنین یکی از مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی، تلاش در جهت عدالت‌گستری در جهان است، ولی اجرای پیمان ابراهیم و عادی‌ســازی روابط کشورهای عربی و اسلامی با رژیم صهیونیستی، باعث مشروعیت‌بخشی و تطهیرسازی جنایات اسرائیل در غزه می‌شود. از سوی دیگر، یکی از اهداف گفتمان انقلاب اسلامی، ایجاد امت واحده اسلامی در جهان اسلام اســت. در این فضا، همه کشــورهای عربی و اسلامی نســبت به مسئله فلســطین حساس و دغدغه‌مند باشند، اما اجرای پیمان ابراهیم سبب برقراری ارتباط سیاسی میان کشورهای عربی و اسلامی با مستکبران و منزوی شدن آرمان فلسطین می‌شود. لذا اجرای پیمان ابراهیم با اصول اساسی گفتمان انقلاب اسلامی کاملاً مغایرت دارد.

جدول شماره ۴: تأثیر اجرای پیمان ابراهیم بر گفتمان انقلاب اسلامی

	تأثیر اجرای پیمان ابراهیم بر گفتمان انقلاب اسلامی
۱.	پناه بردن کشورهای عربی به اسرائیل به‌عنوان قدرت هسته‌ای خاورمیانه جهت مقابله با ایران
۲.	کاهش قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا و منطقه خاورمیانه
۳.	برهم خوردن نظم موجود و ایجاد نظم جدید با محوریت کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی
۴.	بهره‌برداری رژیم صهیونیستی و آمریکا از تنش‌های سیاسی میان ایران و کشورهای عربی
۵.	تغییر الگوی تاریخی عربی - اسرائیلی
۶.	مهم‌ترین اتفاق و پدیده سیاسی و دیپلماسی سالیان اخیر در خاورمیانه

	تأثیر اجرای پیمان ابراهیم بر گفتمان انقلاب اسلامی
۷.	نقطه شروع تحولات خاص و منحصربه‌فرد در خاورمیانه و غرب آسیا
۸.	تلاش دونالد ترامپ برای دستاوردسازی
۹.	تمرکز بر حل مناقشـات میان کشـورهای عربی و رژیم صهیونیسـتی و بی‌توجهی به مسئله فلسطین
۱۰.	ضرورت امنیتی سازی در برابر ایران
۱۱.	متقاعد کردن کشـورهای عربی به اهمیت و ضرورت تسـلط بـر بلندی‌های جولان برای اسرائیل و به رسمیت شناخت حاکمیت اسرائیل بر آن
۱۲.	ایجاد یک نظم منطقه‌ای جدید در خاورمیانه
۱۳.	ضرورت تنوع اقتصادی و اقتصاد دیجیتال
۱۴.	تبلیغات رسـانه‌ای علیه اسـرائیل با استراتژی نابودی و محو اسـرائیل از به‌وسیله دستیابی به بمب اتم و لزوم مقابله منطقه‌ای با آن
۱۵.	اجماع علیه کشورهای موافق جریان مقاومت و امنیتی سازی جمهوری اسلامی ایران
۱۶.	ائتلاف کشورهای دارای انرژی و نفت با قدرت‌های نظامی و هسته‌ای
۱۷.	برون‌سپاری مسائل منطقه خاورمیانه به قدرت‌های خارجی و ائتلاف علیه جریان مقاومت
۱۸.	ایجاد روابط دوستانه میان مردم کشورهای عربی با یهودی‌ها و از بین بردن نفرت تاریخی
۱۹.	ائـتلاف جهانی و منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران و کشـورهای حامی فلسـطین و مقاومت
۲۰.	منفعل کردن جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جلوگیری از کنشگری فعال و هدفمند با هدف تغییر در اصول و سیاست‌های کلان خارجی ایران

۸. مدل مفهومی رابطه تضاد بین پیمان ابراهیم و گفتمان انقلاب اسلامی

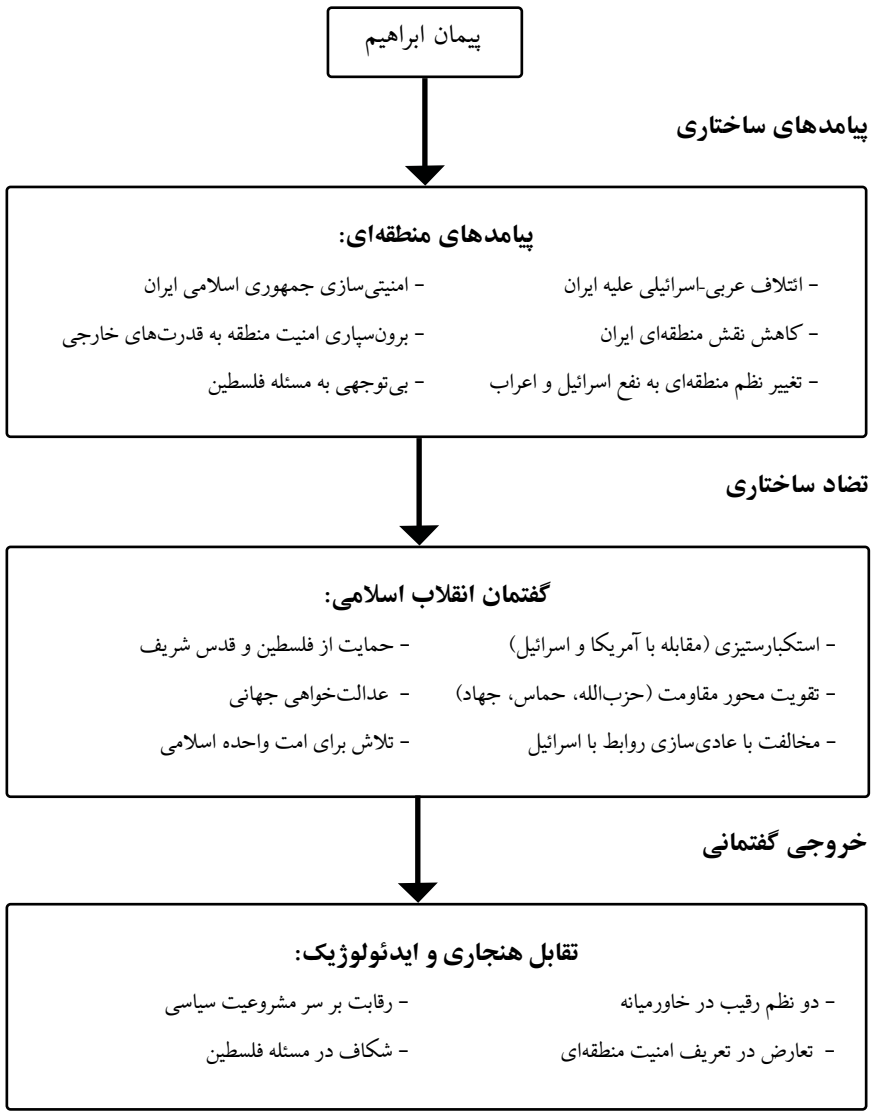

نتیجه‌گیری

هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی تأثیر اجرای پیمان ابراهیم بر گفتمان انقلاب اسلامی است. دونالد ترامپ، به‌منظور ایجاد نظم نوین در منطقه خاورمیانه با محوریت آمریکا، در اقدامی مبتکرانه، طرح عادی‌سازی روابط میان کشورهای عربی (امارات متحده عربی، بحرین، مراکش و سودان) و رژیم صهیونیستی را با عنوان «پیمان ابراهیم» پیشنهاد داد. در راستای اجرای مفاد پیمان ابراهیم و نسبت آن با امارات متحده عربی، در ۱۳ اوت ۲۰۲۰، پس از یک تماس سه‌جانبه، دونالد ترامپ، شیخ محمد بن زاید آل نهیان و بنیامین نتانیاهو، بیانیه مشترکی صادر کردند و اعلام داشتند که امارات و اسرائیل برای عادی‌سازی کامل روابط به توافق رسیده‌اند. در راستای اجرای مفاد پیمان ابراهیم و نسبت آن با بحرین، در ۱۸ نوامبر ۲۰۲۰، عبداللطیف بن راشد الزیانی نخستین سفر رسمی یک وزیر بحرینی به اسرائیل را انجام داد و با بنیامین نتانیاهو، گابی اشکنازی و مایک پمپئو دیدار کرد. در راستای اجرای مفاد پیمان ابراهیم و نسبت آن با سودان، در ۱۱ فوریه ۲۰۲۱، عبدالفتاح البرهان از طریق ویدئو کنفرانس در اجلاس اسرائیل برای همزیستی مسالمت‌آمیز سخنرانی کرد.

به‌منظور اجرای مفاد پیمان ابراهیم و نسبت آن با مراکش، در ۱۰ دسامبر ۲۰۲۰، کاخ سفید از توافق میان مراکش و اسرائیل برای برقراری روابط کامل دیپلماتیک، به رسمیت شناختن حاکمیت مراکش بر صحرای غربی و تأیید طرح خودمختاری مراکش خبر داد. در گفتمان انقلاب اسلامی، به‌منظور حمایت از آرمان فلسطین، هر گونه همکاری و تعامل با اسرائیل منع شده است، اما پیمان ابراهیم در جهت عادی‌سازی روابط کشورهای عربی و اسلامی با اسرائیل پایه‌ریزی شده است که این امر با اصول بنیادین گفتمان انقلاب اسلامی در تضادی آشکار قرار دارد. همچنین در گفتمان انقلاب اسلامی، تقویت گروه‌های مقاومت (حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین) و حمایت از کشورهای حامی آرمان فلسطین (عراق، لبنان، سوریه و یمن) اهمیت و اهتمام خاصی دارد. بااین‌حال، اجرای پیمان ابراهیم سبب بی‌تفاوتی کشورهای اسلامی نسبت به مسئله فلسطین می‌شود. لذا اجرای پیمان ابراهیم با اصول اساسی گفتمان انقلاب اسلامی کاملاً مغایرت دارد.

نویسندگان مقاله اعلام می‌دارند که در فرایند تهیه این اثر، از ابزار هوش مصنوعی DeepSeek صرفاً برای ویرایش زبانی و ترجمه چکیده استفاده شده است. کلیه محتوای تولیدی یا ویرایش‌شده با این ابزار را نویسندگان به دقت بازبینی و تأیید کرده و مسئولیت کامل صحت علمی، امانت‌داری و یکپارچگی محتوای نهایی، بر عهده نویسندگان مقاله است. این ابزار هیچ نقشی در تولید ایده‌ها، تحلیل داده‌ها یا نتیجه‌گیری نهایی مقاله نداشته است.

منابع

- آجیلی، هادی و نصیری پایروند، سینا (۱۴۰۰). تأثیر معامله قرن بر روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی، پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، ۳ (۲۸)، ۷۹-۱۰۴.
http://noo.rs/g3cbG
- آقاجانی منقاری، پوریا، اشرفی، اکبر، توحید فام، محمد و جلالی، رضا (۱۴۰۲). نقش رژیم صهیونیستی در شکل‌گیری و تحکیم پیمان ابراهیم. پژوهش‌های سیاسی، ۱۴(۵۵)، ۳۲-۴۵. https://ensani.ir/fa/article/633418
- بابایی، محمد و میریوسفی، میرعلی (۱۴۰۱). تأثیر پیمان صلح آبراهام بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه. مطالعات فرهنگ دیپلماسی، ۱ (۱)، ۷۰-۹۲.
https://www.sjcds.ir/article_152130.html
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۱). ولایت‌فقیه؛ حکومت اسلامی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- اندیشه‌سازان نور (۱۳۹۱). راهبرد رژیم صهیونیستی در برخورد با مقاومت اسلامی. تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ترکاشوند، محمد جلال، مهدیان، حسین، جهانی راد، حجت اله و کلانترنیا، سید محمد (۱۴۰۳). پیامدهای امنیتی پیمان ابراهیم بر راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران. راهبرد دفاعی، ۲۲ (۸۵)، ۵۹-۸۰.
https://ds.sndu.ac.ir/article_2897.html
- شاه رضایی، محمدحسن، گودرزی، مهناز و جهانبخش، ایزدی (۱۴۰۳). پیمان ابراهیم و پیامدهای منطقه‌ای آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۸ (۶۹)، ۲۸۱-۳۰۸.

https://www.rahyaftjournal.ir/article_217943.html

- شیخ‌الاسلامی، محمدحسن و عطارزاده، سجاد (۱۴۰۲). امکان‌سنجی پیوستن اندونزی و مالزی به توافقنامه‌های ابراهیم و عادی‌سـازی روابط با رژیم صهیونیسـتی. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۵(۱۵)، ۷۹-۱۴۰. http://noo.rs/fXBim
- عباسـی، محمد و چهارمحالی اصفهانی، مرضیه (۱۴۰۳). روابط امارات متحده عربی با رژیم اسـرائیل در پرتو قـرارداد ابراهیم و تأثیر آن بر روابط همسـایگی با جمهوری اسلامی ایران. روابط جهانی، ۱ (۲)، ۱۲۱-۱۴۶.

https://jrgr.atu.ac.ir/article_16905.html

- محمد صالح، محسن (۱۳۹۴). قضیه فلسطین پیشینه تاریخی و تحولات معاصر. ترجمه صابر گل عنبری و یوسف رضازاده، تهران: وزارت امور خارجه.
- ملکـی، محمدرضـا و محمـدزاده ابراهیمـی، فـرزاد (۱۳۹۹). چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سـازی روابط اسرائیل و جهان عرب، مطالعات بین‌المللی، ۱۷ (۳)، ۴۵-۶۴. https://www.isjq.ir/article_126953.html
- فلیک، اووه (۱۴۰۲). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- قالیباف، محمدباقر و موسی پورموسوی (۱۳۹۸). خاورمیانه معاصر. تهران: قومس.
- همتی فر، حسـین، متقی دستنائی، افشین، ربیعی، حسین و مقیسه، رضا (۱۴۰۳). تبیین داده بنیاد پیمان ابراهیم با رویکرد ژئوپلیتیکی. ژئوپلیتیک، ۲۰ (۳)، ۱۹۴-۲۲۸.

https://journal.iag.ir/article_205381.html

- Rahman, O. (2023). *Five reasons why the Abraham Accords are ceding ground to Arab-Iranian de-escalation*. Baker Institute for Public Policy, Rice University. https://doi.org/10.25613/7P0A-RC52
- Vakil, S. & Quilliam, N. (2023). *The Abraham Accords and Israel-UAE normalization*. Chatham House. https://doi.org/10.55317/9781784135584
- Yossef, A. (2021). *The regional impact of the Abraham Accords* (MWI Report, Series 2021, No. 2). Modern War Institute at West Point.

https://mwi.westpoint.edu/wp-content/uploads/2021/02/regional-impact-abraham-accords.pdf